

درس تاریخ موسی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: تثنیه باب های ۱ تا ۳، خروج باب ۳۲ آیات ۲۹-۳۲، اعداد باب ۱۴، افسسیان باب ۳ آیه ۱۰، پیدایش باب ۱۵ آیات ۱-۱۶، یوحنا باب ۱۴ آیه ۹.

آیه حفظی: «و همه از یک نان روحانی می خوردند. و از یک آب روحانی می نوشیدند؛ زیرا از صخره ای معجزه آمیز که ایشان را دنبال می کرد، می نوشیدند و آن صخره مسیح بود» (اول قرنیتیان باب ۱۰ آیه ۳ و ۴).

«اینها سخنانی است که موسی گفت» (تثنیه باب ۱ آیه ۱) و سپس کتاب تثنیه شروع می شود و اگرچه موسی و حضور موسی بر کتاب غالب است؛ از این کلمات آغازین تا به مرگش در سرزمین موآب (تثنیه باب ۳۴ آیه ۵)، تثنیه (به عنوان کل کتاب مقدس) در واقع در باره خداوند عیسی می باشد؛ چراکه او آن یگانه ای است که ما را آفرید (پیدایش باب ۱ و باب ۲؛ یوحنا باب ۱ آیات ۱-۳)، و از ما نگهداری نمود (کولسیان باب ۱ آیات ۱۵-۱۷، عبرانیان باب ۱ آیه ۳)، و ما را رهایی بخشید (اشعیا باب ۴۱ آیه ۱۴، تیطس باب ۲ آیه ۱۴) و به عبارتی ساده تر، تثنیه به ما آشکار می کند که چطور خداوند به خلقت، حفظ، نگهداری و نجات قومش در این برهه حساس زمانی در تاریخ نجات، ادامه داد. بر این اساس که بنی اسرائیل در نهایت وارد سرزمین کنعان خواهند شد، موسی به آنان درس تاریخ می دهد؛ مبحثی که در تمامی کتاب مقدس تکرار شده است: به خاطر بسپارید که خداوند چه کارهایی را در گذشته برایتان انجام داده است.

این توصیه برای ما نیز از معنایی برخوردار است که در مرزهای سرزمینی بهتر از سرزمین موعود هستیم: «در مرور تاریخ گذشته خودمان، با گامهایی که برداشتیم و به جایگاه زمان حاضر رسیدیم... در حیرت فرو رفته ام و به مسیح به عنوان رهبر نیز اطمینان و تکیه دارم. ترسی از آینده نداریم. هراس ما باید زمانی باشد که مسیری را که خدا ما را در آن هدایت کرده و درس هایی را که در گذشته به ما تعلیم داده، به فراموشی بسپاریم»- (الن جی وایت، پیش طرح های زندگی، صفحه ۱۹۶).

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای سبت ۱۷ مهرماه حاضر شوید.

خدمت روحانی موسی

در تمامی کتاب مقدس حضور موسی احساس می شود و اگرچه تا کتاب خروج باب ۲ آیه ۲ چیزی در باره او گفته نشده است، ولی او کتاب پیدایش را نوشته بود؛ داستان بنیادین و معتبر خدا از اینکه ما چه کسی هستیم، چگونه به این نقطه رسیده ایم، چرا خیلی چیزها بد هستند و در عین حال چرا باید باز امیدوار باشیم. پیدایش، سقوط آدم، وعده نجات، طوفان نوح، ابراهیم، انجیل- همگی ریشه در کتاب پیدایش دارند و مولف آن موسی نبی بود. به سختی می توان تاثیر گذاری این فرد را بسنجیم که بی عیب و نقص نبود. با این وجود او به دستورات خدا عمل می کرد زیرا خداوند را دوست داشت و خواهان خدمت به او بود.

خروج باب ۳۲ آیات ۲۹-۳۲ را بخوانید که گفتگوی بین خداوند و موسی بخاطر گناه دهشتناک گوساله طلایی را ثبت نموده است. این داستان از شخصیت موسی چه درک و بینشی به ما می آموزد و چرا با وجود هر گونه نقص و عیبی که داشت خداوند قادر بود او را اینچنین قدرتمندانه بکار برد؟

اگرچه موسی با گناه سر و کار نداشت، ولی در پی شفاعت برای این قوم گناهکار بود؛ حتی اگر جانش را به خاطر آنان از دست می داد. جالب اینکه، در خروج باب ۳۲ آیه ۳۲ وقتی موسی از خدا طلب می کند تا «گناهانشان را ببخشد»، فعل در واقع به معنای «تحمل کردن» است. بدین ترتیب موسی- با درک سنگینی گناه و آنچه که کفاره گناه را در برداشت- برآستی از خدا خواست تا گناهانشان را «تحمل کند» و این بدین معنی است که نهایتاً این تنها راه است تا گناهان آنان و هر گناهی بتواند بخشیده شود.

بدین ترتیب ما در اینجا، در بخشهای اولیه کتاب مقدس، اصطلاح قدرتمندی از جایگزینی داریم که در آن خدا خودش، در شخص عیسی، بهای کامل و سنگین گناهانمان را خودش متحمل خواهد شد- که راه نجات از پیش تعیین شده خدا برای بشریت می باشد، مشروط بر اینکه بشر به اصول حاکمیت و احکام خدا صادق و وفادار بماند.

در واقع، پطرس قرن ها بعد درباره عیسی نوشت، آن که «خود گناهان ما را در بدن خویش بر دار [صلیب] متحمل شد، تا از گناه مرده شده، به عدالت زیست نماییم، که به ضربهای او شفا یافته‌اید» (اول پطرس باب ۲ آیه ۲۴).

درضمن آنچه که در این داستان از موسی و واکنش او نسبت به گناهانشان می بینیم این است که موسی نقش شفاعت کننده را برای قوم سقوط کرده و گناهکار ایفا نمود و پیش قراول کاری شد که عیسی برایمان انجام خواهد داد. (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۵ را ببینید).

تمایل داشت تا حتی جانش را به خاطر قومش از دست بدهد. به مفاهیم جمله بالا فکر کنید. از مفاهیم فوق در خصوص دوست داشتن دیگران، چه درسی می آموزیم؟

تحقق نبوت

علیرغم برخی از خطاهایی که علم مدرن در تلاش است تا به عنوان حقیقت القا کند (از قبیل اینکه جهان «مطلقاً از هیچ» به وجود آمد و یا اینکه تمامی موجودات زنده بر روی زمین بطور تصادفی از مواد شیمیایی ساده شکل گرفتند)، با این وجود، علم، دیدگاه‌های حیرت‌انگیزی از قدرت آفرینندگی خدا برای ما به ارمغان آورده است. هماهنگی، توازن و دقت در تمامی جنبه‌های دنیای طبیعی، حتی در وضعیت سقوط کرده اش، کسانی را که آنها را مطالعه و بررسی می‌کنند، به حیرت انداخته است. و اگر خدا می‌تواند با موارد فیزیکی اینچنین دقیق باشد قطعاً در موارد روحانی نیز دقیق خواهد بود. بنابراین در آیات آغازین کتاب تثنیه، می‌توانیم دقت خارق العاده خدا را بیشتر ببینیم.

تثنیه باب ۱ آیات ۱-۶ را بخوانید. برجستگی نبوتی واقعیتهایی که تثنیه ۱:۳ در خصوص «سال چهارم» از آن سخن می‌گوید چیست؟

پس از ناکامی، موسی وقتی جاسوسها را از قادیان برنوع برای بررسی سرزمین فرستاد و قوم فراخوان را برای گرفتن سرزمین رد کردند- چه اتفاقی افتاد؟ به آنان گفته شد که به سرزمین موعود آنطور که امید داشتند وارد نخواهند شد. و چه مدت باید منتظر می‌ماندند تا بتوانند به آن سرزمین وارد شوند؟ «برحسب شمار روزهایی که زمین را تجسس کردید، یعنی چهل روز، یک سال به عوض هر روز، یعنی چهل سال متحمل جزای تقصیر خود خواهید شد و این گونه، ناخشنودی مرا درخواهید یافت.» (اعداد باب ۱۴ آیه ۳۴).

از اینرو تثنیه داستان قوم خدا را تا سال چهارم به پیش می‌برد، دقیقاً همانطور که خدا به آنان گفته بود. به عبارتی دیگر کلام نبوی خدا به اندازه خود خداوند قابل اعتماد است و آنچه که در آیات نخست کتاب تثنیه می‌بینیم شواهد بیشتری از آن قابل اعتماد بودن است؛ یعنی خداوند به آنچه که گفته عمل می‌کند و آن کار را خواهد کرد زمانی که او بگوید که انجام خواهد داد.

البته این تنها دوره نبوتی ای نیست که تحقق یافته، همانطور که خدا گفته بود. وقتی از نقطه برتری امروزه نگاهی به عقب می‌اندازیم، می‌توانیم به عنوان مثال در دانیال باب ۹ آیات ۲۴-۲۷ دوره زمانی عیسی را کشف کنیم که درست همان گونه که خداوند گفته بود تحقق یافت. می‌توانیم «زمانی و زمانی و نصف زمان را ببینیم» (دانیال باب ۷ آیه ۲۵؛ همچنین مکاشفه باب ۱۲ آیه ۶ و ۱۴؛ مکاشفه باب ۱۳ آیه ۵ را ببینید) که در تاریخ محقق شده است و همچنین تحقق یافتن ۲۳۰۰ روز را در دانیال ۸: ۱۴ می‌بینیم.

و در کنار عناصر دقیق زمانی، نبوتهای دانیال در باب‌های ۲ و ۷ و ۸ که عیناً و دقیقاً تاریخ جهان را پیش بینی کرد، شواهدی عظیم از پیش آگاهی خدا و کنترل امور و قابل اعتماد بودن آن را به ما می‌دهد.

می‌توانیم ببینیم که خداوند نبوت‌های گذشته را همانطور که پیش‌گویی کرده بود صادقانه به انجام رسانید. چرا این قضیه به ما اطمینان می‌بخشد که می‌توانیم به او در خصوص وقایع آینده اعتماد کنیم؟

۱۳ مهر

سه شنبه

هزار برابر بیشتر

موسی پس از پیاده روی طولانی در بیابان، با خدا حرف می‌زند (او یک نبی بود، اگرچه در واقع بیش از یک نبی) و گفت: « بنگرید که این سرزمین را پیش روی شما نهاده‌ام. پس داخل شده، سرزمینی را که خداوند برای پدران‌تان، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که آن را به ایشان و بعد از آنها به نسل ایشان ببخشد، تصرف کنید» (تثنیه باب ۱ آیه ۸).
در حال، به آن چه که بعداً پیش آمد، توجه کنید.

تثنیه باب ۱ آیات ۹-۱۱ را بخوانید. اهمیت این کلمات در چیست؛ مخصوصاً در پرتو این واقعیت که به معنی واقعی آنها به خاطر عصیان‌شان در قادیان برنوع توسط خدا تنبیه شدند؟

در اینجا نمونه دیگری از لطف و سخاوت‌مندی خدا را می‌بینیم. حتی درحین سرگردانی در بیابان، آنها برکت یافتند: «چهل سال در بیابان برای ایشان تدارک دیدی، که به چیزی محتاج نشدند؛ جامه هایشان مندرس نشد و پاهایشان نرم نکرد.» (نحمیا باب ۹ آیه ۲۱).
و موسی مجدداً محبت خود را به قومش نشان داده و از خدا خواست تا تعداد آنان را هزار برابر بیشتر از آن زمان، افزون کند!

تثنیه باب ۱ آیات ۱۲-۱۷ را بخوانید. در نتیجه برکتی که خدا مستقیماً به آنان ارزانی نمود، چه اتفاقی افتاد و موسی چه گام‌هایی را برداشت تا آن وضعیت را سامان دهد؟

بنابراین، حتی با وجود آنکه خداوند با تمامی قدرت خویش در میان آنان حضور داشت، احتیاج به سازماندهی بود؛ نیاز به ساختار بود، تا سیستمی مسئول و پاسخگو باشد. اسرائیل، به زبان عبری «قَهْل» یا یک مجموعه سازماندهی شده بود (تثنیه باب ۳۱ آیه ۳۰ را ببینید) به عنوان طلیعه ای برای اِکلیسیای یونانی عهد جدید یا همان «کلیسا»، (متی باب ۱۶ آیه ۱۸ را ببینید)
و اگرچه پولس در چارچوبی متفاوت در حال فعالیت بود، ولی هرگز از ریشه یهودی بودن خود دور نشد و در اول قرن‌تین باب ۱۲ می‌بینیم که بطور واضح نیاز برای افراد حائز شرایط را بیان می‌

کند تا نقش های مختلفی را بعهده بگیرند و در بدنه کلیسا عملکرد مناسبی داشته باشند، درست همانگونه که در اینجا در تثبیه و قهله در بیابان مشاهده می کنیم. کلیسای امروزه نیز، مانند قهله کهن به افرادی نیاز دارد که نقش های گوناگونی را بر اساس عطایای خویش پر کنند تا به بدنی یکپارچه تبدیل شوند.

اگرچه بعضی اوقات می شنویم که مردم در برابر دین «سازماندهی شده» مانع ایجاد می کنند(آنها چه چیزی را ترجیح می دهند، دینی «سازماندهی نشده»؟)، کلام خدا مخصوصا در عهد جدید، کلیسایی را که سازماندهی شده و منظم است را اعلام می کند و نه چیز دیگر.

چهارشنبه

۱۴ مهر

قادش برنح

شبحی بخشهای اولیه کتاب تثبیه را در بر گرفته است، شبح قادش برنح. این داستان تاسف آور، همانطور که شاهد آن هستیم، برای کتاب تثبیه حواشی ایجاد کرده و بررسی دقیق تر به این موضوع حائز ارزش می باشد.

اعداد باب ۱۴ را بخوانید. قوم به گزارشی که جاسوسان آوردند چه عکس العملی نشان دادند ونتیجه عکس العملی که نشان دادند چه بود؟ (تثبیه باب ۱ آیات ۲۰-۴۶ را ببینید).

ما می توانیم درسهای مهمی از این داستان بگیریم؛ اما یک درس مهم که مجددا در کتاب مذکور دیده خواهد شد را نیز می توان در اعداد باب ۱۴ یافت.

اعداد باب ۱۴ آیات ۱۱-۲۰ را بخوانید. اگرچه باز هم در اینجا موسی را به عنوان شفاعت کننده می بینیم، استدلال های او با خداوند در خصوص اینکه چرا نباید آنان را نابود کند از چه اهمیتی برخوردار بود؟

راجع به آنچه که موسی به خدا گفت تفکر کنید. اگر اینکار را بکنی، بنگر که چگونه در برابر چشمان مصریان و دیگر ملل ظاهرخواهی شد. این نکته مهم است چراکه نهایتا هرآنچه که خدا خواسته بود تا با قوم اسرائیل انجام دهد تنها محض خاطر قوم اسرائیل نبود؛ بلکه بطور کل برای بشر بود. قوم اسرائیل قرار بود تا نوری برای جهان باشند، شاهدهی از قدیم الایام در خصوص محبت و قدرت و نجاتی که در خدای حقیقی یافت می شود و نه در بتهای بی ارزشی که این قوم پرستیده بودند. با این حال همانطورکه موسی گفت، اگر بخواهی تا این قوم را محو کنی بعدا چه؟ ملتها خواهند

گفت: «چون خداوند نتوانست این قوم را به سرزمینی که بدیشان قسم خورده بود درآورد، ایشان را در صحرا کشت.» (اعداد باب ۱۴ آیه ۱۶).

به عبارتی دیگر، آنچه که در اینجا می بینیم موضوعی است که در کل کتاب مقدس یافت می شود: این ایده که خدا در قومش جلال می یابد- اینکه جلال و نیكوئی و محبت و قدرت خدا بایستی در کلیسایش، از طریق آنچه که قومش انجام می دهند آشکار شود. البته این طور نیست که همیشه قومش بخواهند کار را برای خدا آسانتر کنند؛ اما در نهایت خدا از طریق اعمالش، در زمین جلال خواهد یافت.

افسیان باب ۳ آیه ۱۰ را بخوانید. پولس در اینجا چه می گوید، و این موضوع چگونه اتفاق می افتد؟ چگونه «حکمت گوناگون» خدا به جهان آشکار شده است؟ کدام نقش را، در صورت وجود، هر یک از ما در تحقق بخشیدن این نقش بر عهده می گیریم؟

۱۵ مهر

پنجشنبه

شرارت آموریان

در تثبیه باب های ۲ و ۳، موسی تاریخ قوم اسرائیل را بر آنان بازگو می کند که به برکت خدا، چگونه توانستند دشمنانشان را تعقیب کنند؛ و وقتی پر از ایمان بودند خدا به آنان پیروزی را عطا کرد، حتی پیروزی بر «غول ها» (تثبیه باب ۲ آیه ۱۱ و ۲۰، تثبیه باب ۳ آیه ۱۳).

البته این امر مشکلی ببار می آورد که باید آن را بررسی کنیم. با وجود آنکه بنی اسرائیل اغلب نخست با قومی از در صلح وارد گفتگو می شدند (تثبیه باب ۲۰ آیه ۱۰ و ۱۱)، در عین حال اگر آن ملت پیشنهاد آنان را نمی پذیرفتند بعضی اوقات قوم اسرائیل بر آنان تاخته و آنان را به همراه زنان و کودکان نابود می کردند. «ولی خداوند، خدایمان او را به ما تسلیم نمود و ما او را با تمام پسران و افرادش کشتیم و تمامی شهرهایش را به تصرف خود درآورد، همه مردان و زنان و اطفال را از بین بردیم» (تثبیه باب ۲ آیات ۳۳ و ۳۴).

برخی سعی می کنند با گفتن این که این داستان ها واقعیت ندارند این موضوع را دور بزنند. با این حال، چون ما براین باوریم که «تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تادیب و اصلاح و تربیت درپارسایی سودمنداست.» (دوم تیموتائوس باب ۳ آیه ۱۶)؛ و این گزینه ای پایا برای ادونتیستهای روز هفتم نیست. بنابراین، ما مانده ایم و سوالی دشوار در خصوص این وقایع!

پیدایش باب ۱۵ آیات ۱-۱۶ را بخوانید. خدا به ابرام در پیدایش باب ۱۵ آیه ۱۶ چه گفت، و این امر چگونه می تواند نوری بر مبحث دشوار بتاباند؟

جای هیچ تردیدی نیست که بسیاری از این اقوام بت پرست مردمی بسیار بی رحم و ستمگر بودند که توجیه پذیر بود که بایستی ازمدتها قبل با غضب و مجازات خدا روبرو می شدند. و این درست است، حتی اگر خدا با صبر و شفقت منتظر ماند تا آنان راه هایشان را تغییر دهند، تغییر ندادند- این واقعیت سخت در مورد کشتن همه، از جمله کودکان تغییر نمی یابد. (البته احتمالاً کودکان زیادی در واقعه طوفان نوح از بین رفتند چنانچه بخواهیم با کشتار اسرائیلیان آن را مقایسه کنیم).

واقعیت این است که بر اساس اطلاعات محدودی که نسبت به وقایع کل متن در دست داریم، ما باید این واقعیت سخت را پذیرفته و به نیکویی خدا که در طرق گوناگونی آشکار شده است اعتماد کنیم. ایمان صرفاً دوست داشتن خدا در یک روز زیبا، در جنگلی زیبا یا از صداها و مناظر زیبا نیست؛ بلکه موضوع این است با وجود آنکه درک کاملی بر اتفاقات نداریم به او ایمان داشته باشیم.

اول قرنیتان باب ۱۰ آیات ۱-۴ و یوحنا باب ۱۴ آیه ۹ را بخوانید. چگونه این آیات و آیات مشابه، در اعتماد کردن به محبت، عدالت و نیکویی خدا به ماکم می کنند؛ حتی وقتی ما با وقایعی روبرو می شویم که به نظر می رسد فهمیدن آن ها سخت باشد؟

جمعه

مهر ۱۶

اندیشه ای فراتر: در اینجا یک پژوهشگر در پی این خواهد بود تا به سوالات دشواری در خصوص آنچه که اسرائیلیان با برخی از این قوم ها کردند پاسخ دهد:

«به عنوان آفریننده تمامی چیزها و تمامی بشر و حاکم بر همه چیز، خدا می تواند هرچه که بخواهد با هرکس انجام دهد و در انجام آن بر حق است...»

«راه های خدا اسرارآمیز است. از آنجا که ما هرگز [او] را کاملاً درک نخواهیم کرد، ممکن است با پرسش هایی که در ذهنمان است، آرامش پیدا کنیم». اشعیا باب ۵۵ آیات ۸-۹ اندرزهایی به ما می دهد.»

«بر اساس تصویر کتاب مقدس از کنعانیان، این مردم بشدت بدکار بودند و نابودی آنها معرف غضب داوری خدا برای گناهانشان بود. نابودی کنعانیان نه اولین و نه آخرین بود که خدا انجام دهد. تفاوت بین سرنوشت کنعانیان و سرنوشت بشر (به جز خانواده نوح) همانطور که در پیدایش باب های ۶ تا ۹ توضیح داده شد بایستی قیاس شده و عوامل آن بررسی گردد...»

«هرگز نیت خدا این نبود که برای اسرائیلیان سیاست هِرم [نابودی تمام عیار] را به عنوان سیاستی عمومی در برابر بیگانگان ایجاد نماید». تثنیه باب ۷ آیه ۱ صریحاً قوم های مورد نظر را شناسایی و در نتیجه محدود می کند. قوم اسرائیل نمی خواستند تا از این سیاستها بر ضد آرامیان یا ادمیان یا مصریان یا هرکس دیگری پیروی کنند (تثنیه باب ۲۰ آیات ۱۰-۱۸)...»

« کنعانیان دچار سرنوشت شومی شدند که تمامی گناهکاران در نهایت با آن روبرو خواهند شد: داوری خدا»

« نابودی کنعانیان توسط خدا یک گامی ضروری در تاریخ نجات محسوب می شود...»

«اگرچه کنعانیان درکل هدف داوری خدا بودند، آنها چهل سال پیش از این اخطار گرفتند(به)

اعتراف راحاب در یوشع باب ۲ آیات ۸-۱۱ رجوع کنید)»- دانیال آی. بلاک، تفسیر کاربردی ان آی وی: تشنیه (انتشارات گرنر رپیدز، میک: زوندرون، ۲۰۱۲)، صفحات ۹۸، ۹۹.

سوالاتی برای بحث:

۱. به مفهوم هزاره بیندیشید که به موجب آن هزار سال خواهیم داشت تا به تمامی سوالاتمان پاسخ داده شود. این مفهوم چگونه به ما کمک می کند تا بیاموزیم که به خدا اعتماد و توکل کنیم در عوض سوال های دشواری که الان داریم؟

۲. خداوند به چه روش هایی در گذشته هدایت نموده تا بیاموزد که به او برای آینده اعتماد کنید؟ چرا فراموش نکردن کارهایی که خدا در زندگی ما انجام داده اهمیت دارد؟

۳. در کلاس به آخرین سوال مطالعه یکشنبه مراجعه کنید؛ که در باره اشتیاق موسی برای از دست دادن جاننش به قیمت نجات قوم خود می باشد. آیا این دیدگاه درستی است که اتخاذ کنیم؟ ارزش از دست دادن جان انسان ، به ویژه با توجه به هزینه بازخرید آن چیست؟